

بررسی دلایل و آثار افزایش سن ازدواج دختران روستایی در آشتیان

* اکبر مجدالدین

دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

خانواده یکی از نهادهای اجتماعی است که به لحاظ تأثیرگذاری بر اعضای خود و نیز بر سطوح مختلف جامعه، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. همان‌طور که می‌دانیم عامل پیدایش خانواده ازدواج است. پس سلامت جامعه و خانواده وابسته به ازدواجی سالم و پر دوام است. بنابراین پرداختن به موضوع ازدواج و موانع و مشکلات بر سر راه آن، به عنوان یک مسأله اجتماعی نیازمند تحقیق و بررسی است. در این مقاله نیز که برگرفته از پژوهشی تحت عنوان «بررسی دلایل و آثار افزایش سن ازدواج دختران در روستاهای شهرستان آشتیان در سال 1385» است، سعی می‌شود با رویکردی تحلیلی - انتقادی به بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر بالا رفتن سن ازدواج دختران روستا و آثار ناشی از آن پرداخته شود. چرا و چگونه زندگی در این محیط روستایی و مشکلات اجتماعی ناشی از آن مانند فقر اقتصادی و بیکاری، به مهاجرت، ازدواج و سکونت دائم پسرهای روستا در شهرها و عدم تعادل جنسی در روستا منجر می‌شود؛ به نحوی که باعث افزایش تعداد دختران مجرد ساکن در روستا و تأخیر در سن ازدواج آن‌ها شده و ممکن است افزایش آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی را به دنبال داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: خانواده، ازدواج، افزایش سن ازدواج، دختران، روستا.

To Study the Reasons and Effects of Higher Ages for Marriage of Rural Girls in Ashtian

Akbar Majdodin, Ph.D.

Assistant Professor, Department of Sociology
Faculty of Letters and Human Sciences, Shahid Beheshti University

Abstract

Many Sociologists have regarded family as the most important institution which is effective as constituting cells of the society in the matters of its soundness or unsoundness. As we know, the forming factor of a family is marriage. Therefore, the society, and family's health is dependent upon a healthy and permanent marriage. Since, considering and paying attention to the issue of marriage and the obstacles and difficulties in its way should be studied as a social problem. In this research which is derived from a research titled as: "To study the Reasons and Effects of Higher Ages for Marriage of Rural Girl in Ashtian City's Villages in 2006", it is attempted to analytically and critically study the influencing social factors on higher ages for marriage of the rural girls and its relevant consequences, accordingly. Furthermore, some issues are to be studied and debated here, for instance, why and how living in rural environments and therefore the accompanied and consequent social problems thereafter (including social poverty and unemployment) could have caused marriage and permanent residence of the rural men in cities and therefore sex imbalance in the villages?, in a manner that we see an increased number of single girls living in villages as well as delayed marriage ages, and as a result, increased social disorders (impairments) and deviations might be expected.

Keywords: Family, marriage, marriage in higher ages, girls and village.

* دکترای جامعه‌شناسی از دانشگاه تهران، استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

مقدمه

خانواده یکی از نهادها یا گروه‌های مهم اجتماعی به‌شمار می‌رود. اهمیت خانواده در ابعاد مختلفی قابل بررسی است. از یک‌سو استحکام مناسبات خانوادگی، حتی در شرایط به هم‌ریختگی و تزلزل ساخت اجتماعی؛ در شرایطی مانند جنگ‌های فراگیر تنها پناهگاه فرد به‌شمار می‌آید. به همین جهت، در جریان جنگ جهانی دوم از میان کوشش‌های مختلفی که برای تحکیم مناسبات انسانی مبذول می‌شد، تقویت روابط خانوادگی بیشتر از هر تدبیر دیگری نظر متفکران و صاحب‌نظران را به خود جلب کرده بود و در اولین دهه بعد از جنگ با توجه به اولویت ثبات خانواده و با بررسی امکانات استحکام مبانی خانواده، بررسی مسایل جامعه‌شناسی خانواده از اهمیت خاصی برخوردار شد (هایدی روزن بارم 1367: 1، 2).

از سوی دیگر، اجتماعی شدن کودک که به وسیله خانواده انجام می‌شود در حقیقت تداوم و استحکام نظام اجتماعی جامعه را که حیثیتش وابسته به آن است تضمین می‌کند (همان). نیز در بعد دیگر، حل مشکل تلفیق حداکثر آزادی با ثبات اجتماعی از طریق تقویت گروه‌های کوچک و مناسبات انسانی بین این گروه‌ها که می‌تواند سدی در مقابل جوامع و گروه‌های بزرگ به‌وجود آورد و به خصوص تقویت خانواده امکان‌پذیر است (همان). علاوه بر این‌ها خانواده دارای کارکردهای متعددی است که در آن مواردی مانند ازدواج و همسرگزینی، تولید نسل، اجتماعی کردن کودکان، حمایت مادی و معنوی از اعضا و مانند آن‌ها مطرح می‌شود.

به گفته مالینوفسکی، خانواده ماده خام ارگانیک تازه را شکل می‌دهد و آن را به صورت عضو کاملی برای قبیله و یا شهر در می‌آورد (همان: 9). علاوه بر این‌ها، در مقابل انضباط خشک و نظم کسالت‌آور و بی‌روح جهان بیرون از خانه، خانواده با فضایی آکنده از احساس مشترک، آرامش، محیط انسانی به منزله مکان زندگی خصوصی یا به تعبیر بهتر انسانی، جلوه‌گر می‌شود و سلطه طبیعی خانواده در برابر سلطه انتزاعی جامعه قرار می‌گیرد (همان: 33) جایگاه و نقش خانواده در میان نهاد یا گروه‌های دیگر اجتماعی به گونه‌ای است که بعضی از جامعه‌شناسان معتقدند که هرگونه اصلاح جامعه باید از خانواده آغاز شود؛ زیرا در روند تکامل بخشیدن به مناسبات پابرجای جامعه، خانواده پیشتاز است (همان: 32) از این‌رو ازدواج که مجرا و مقدمه لازم تشکیل خانواده است، نیز از اهمیت زیادی برخوردار است که در این بررسی مورد توجه قرار گرفته است.

مقاله پیش روی در نظر دارد دلایل و آثار افزایش سن ازدواج دختران روستاهای شهرستان آشتیان را در سال 1385ش بررسی نماید.

هدف از این مقاله، شناخت عوامل اجتماعی مؤثر بر بالا رفتن سن ازدواج دختران روستا و آثار ناشی از آن است؛ یعنی در این مقاله بررسی می‌شود که چرا و چگونه زندگی در محیط این روستا و مشکلات اجتماعی ناشی از آن مانند فقر اقتصادی و بیکاری، به مهاجرت، ازدواج و سکونت دائم پسرهای روستایی در شهرها و عدم تعادل جنسی در روستا منجر شده است؛ به نحوی که افزایش تعداد دختران ساکن در روستا و تأخیر در سن ازدواج آن‌ها و افزایش آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی را به دنبال داشته است.

جامعه‌شناسان با اعتقاد به خصلت اجتماعی ازدواج و مشاهده این‌که در اجتماعی بودن آن نوعی ویژگی محسوس است که آن را از روانی بودن و زیستی بودن متمایز می‌نماید و به آن طبیعت خاصی می‌بخشد که تبیین ویژه‌ای را ایجاد می‌کند، ازدواج را در کلیت و تمامیت آن مورد مطالعه قرار می‌دهند.

در مورد خانواده نظرهای مختلفی براساس دیدگاه‌های متفاوت صاحب‌نظران عرضه شده است که هرکدام یک یا چند بعد از ابعاد آن را از زاویه نگرش خاص خود بررسی کرده‌اند. به‌طور کلی نظریه‌های عرضه شده در این مورد را می‌توان به دو دسته نظریه‌های نهادگرایانه و نظریه‌هایی که خانواده را در ارتباط با کل جامعه یعنی هم با در نظر گرفتن مناسبات کلی جامعه و هم پاره نظام‌های کلی جامعه مورد نگرش قرار می‌دهند و نظریه‌های سیستمی که خانواده را به منزله گروه کوچکی با ساخت و کارکردهای مخصوص به خود مورد توجه قرار می‌دهند (کونینگ 1958: 189). در نگرش اول، خانواده دارای خصوصیات تحرک مخصوص به خود و قوانین خاص خود است و سلطه طبیعی خانواده در برابر سلطه انتزاعی جامعه قرار می‌گیرد و در نگرش دوم، خانواده گروهی است مانند گروه‌های دیگر اجتماعی که شرایط و ویژگی‌های آن متناسب با تغییرات بیرونی است (روزن بام 1367: 63) نظریه‌های دسته اول بیشتر تحت‌تأثیر شرایط جنگ جهانی دوم و افزایش اهمیت نقش خانواده در تجدید بنای جوامع جنگ‌زده و به وسیله صاحب‌نظرانی مانند گهلن، شلسکی و کونینگ ارائه شده است (همان: 31). اما خود این صاحب‌نظران نیز حداقل به‌طور غیرمستقیم وابستگی هریک از کارکردهای خانواده به شرایط عمومی جامعه را پذیرفته‌اند (همان: 142) از این‌رو ما در این بررسی، تعدادی از نظریه‌های ارائه شده در چهارچوب دوم را مورد توجه قرار می‌دهیم. به طوری که ملاحظه می‌شود، هریک از صاحب‌نظران جنبه‌ای از واقعیات مربوط به خانواده و ارتباط آن با جامعه بزرگ را مورد بررسی قرار داده‌اند.

جنبه و کارکرد اقتصادی، در نظریه تورم رکودی¹

براساس آمار و اطلاعات به دست آمده، در دوره‌های رواج و رونق اقتصادی، مردم بیشتر ازدواج می‌کنند و در دوره‌های بحران و رکود اقتصادی ازدواج‌ها به تأخیر می‌افتند و یا اصلاً منتفی می‌شوند. حال آیا ایران با چنین دوره‌هایی روبه‌رو بوده است. نیاز به تئوری‌های موجود در علم اقتصاد دارد تا حقایق مربوط به این پدیده را بهتر روشن نماید. یکی از مهمترین تئوری‌ها تئوری تورم رکودی می‌باشد (بهنام 1348: 22).

یکی از معضلات عمده کشورهای در حال گذار، تورم و رکود ساختاری است. رشد بهداشت و رفاه عمومی، نرخ مرگ و میر را کاهش داده و باعث رشد بالای جمعیت می‌شود. نرخ رشد جمعیت و پیشرفت نسبی امکانات جمعی، تقاضای کل را افزایش داده و تورم ساختاری را ایجاد می‌کند (نقوی 1376: 142).

جوامعی که در حال گذار بوده‌اند یا در ابتدای توسعه صنعتی‌اند، از سن متوسط ازدواج بالایی دارند که این پدیده در کشورهای ژاپن، هند، آمریکا و کشورهای غربی مشاهده شده است. شاید در سطح کلان، عامل اصلی بالا رفتن سن ازدواج ناشی از وجود ساختار اقتصادی در حال گذار در این کشورهاست؛ زیرا همواره در ابتدا دوره رشد صنعت و به دنبال آن امکان آزادی فردی و کاهش حضور والدین در امر ازدواج و پایین بودن سطح زندگی و نیز وجود بیکاری، سن متوسط ازدواج بالا است (میشل 1354: 146).

افزایش بحران‌های سیاسی و اقتصادی و مؤلفه‌های مهم تورم رکودی چون حجم نقدینگی، تورم، رکود، کاهش تولید، بیکاری، مصرف‌گرایی و افزایش سطح انتظارات بر سن ازدواج جوانان تأثیر منفی داشته، موانع و مشکلاتی را در عرصه اقتصادی در سر راه ازدواج جوانان به وجود آورده‌اند.

بنابراین تئوری، تورم رکودی صرفاً به یکی از ابعاد موانع عمده ازدواج یعنی وجه اقتصادی آن پرداخته؛ ولی این تئوری از تامیت و جامعیت کافی برخوردار نیست؛ زیرا هرچند موانع اقتصادی مانند نحوه امرار معاش و گذران زندگی و داشتن سرپناه و مسکن برای آغاز و شروع یک زندگی مهم است، ولی این عوامل باعث ایجاد موانعی دیگر به عنوان علل و دلایل بازدارنده ازدواج شده است. آیا ایران نیز با چنین دوره‌ها و پیامدهای ناشی از آن‌ها روبه‌رو بوده است؟ پاسخ به این سؤال البته نیاز به بررسی‌های دقیق دارد. ولی در حد اطلاعات موجود نیز

1- Stagflation theory

می‌توان گفت که عواملی چون میزان تحصیلات، مهریه، جهیزیه، آداب و رسوم مراسم ازدواج، عدم قناعت‌پذیری و غیره اکنون به صورت یک پدیده در پشت مشکلات اقتصادی قرار گرفته و عرض اندام می‌نماید.

نظریه فونکسیونالیسم ساختی²

یکی از تئوری‌های مهمی که می‌توان در تحلیل موانع ساختاری ازدواج، از آن استفاده نمود نظریه نظام اجتماعی پارسونز است. هرچند در چهارچوب فونکسیونالیسم ساختی صریحاً به این وجه اشاره نشده است؛ ولی مشکلات ازدواج را می‌توان با توجه به اختلال یا عدم تعادل بین دو خرده نظام اقتصادی و فرهنگی مورد بررسی قرار داد.

در مدل پارسونز، چهار خرده نظام فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نظام یافته است که در ارتباط با یکدیگر هستند و به ترتیب عهده‌دار کارکرد حفظ و تداوم الگوها³، نیل به اهداف⁴، انطباق با شرایط محیطی⁵ و ایجاد یگانگی و انسجام اجتماعی⁶ هستند (صدیق 1374: 39).

پارسونز در مورد فرایند هسته‌ای شدن خانواده به بیان اهمیت شغل پرداخته براساس متغیرهای الگوی خویش آن را ناشی از ماهیت نظام تقسیم کار در جوامع صنعتی جدید می‌داند به نظر وی یکی از آثار پیچیدگی نظام این است که از شغل یک رکن اصلی پایگاه اجتماعی می‌سازد.

از طرف دیگر، پایگاه شغلی یک فرد عموماً حاصل یک فرایند طولانی سرمایه‌گذاری و آموزش می‌باشد. در مسیر تطور جوامع صنعتی لحظه‌ای فرا می‌رسد که خانواده عموماً دیگر از لحاظ پایگاه شغلی منشأ هیچ کمکی برای فرد نیست (بودن 1370: 111).

به این ترتیب، شغل در سن ازدواج مؤثر است. جوانان غالباً زمانی ازدواج می‌کنند که یقین داشته باشند طبق آداب و رسوم طبقه اجتماعی خود از عهده تأمین معاش خانواده برمی‌آیند؛ و چون افراد نمی‌توانند در سنین معینی درآمد کافی داشته باشند، نوع شغل اهمیت پیدا می‌کند. در طبقات مرفه کشورهای صنعتی، جوانان به ندرت قبل از 28 یا 30 سالگی قادر هستند به

2 - Structural functionalism Theory

3 - Latency

4 - Goal stainment

5 - Adaptation

6 - Integration

شغلی که دلخواهشان است دسترسی پیدا کنند؛ خصوصاً اگر خواستار دستیابی به مشاغل عالی که نیازمند تحصیلات طولانی است، باشند. در صورتی که کارگران ماهر از 21 تا 23 سالگی و کارگران غیرماهر از 18 سالگی شروع به کار می‌کنند. در نتیجه سن ازدواج برای طبقات مرفه بالاتر و برای طبقات تحتانی پایین‌تر است. شاید بتوان گفت هر قدر سطح زندگی پایین‌تر باشد، ازدواج زودرس‌تر خواهد بود (جمشید 1348: 221)

همان‌طور که ملاحظه شد، ازدواج و تشکیل خانواده حاصل تعامل تمامی خرده نظام‌های جامعه با یکدیگر است چنانچه برای تحقق ازدواج شاغل (درآمد) و مسکن مناسب ضروری است. تحصیل (آموزش) و کسب تخصص نیز مقدمه لازم آن‌هاست.

نظریه «بالا» و «دانکن»

بالا و دانکن دو صاحب‌نظر و محقق مشهور آمریکایی، در جریان مطالعات تحرک اجتماعی سال 1967م نظریه‌ای نیز درباره نقش خانواده در تحرک اجتماعی ارائه داده‌اند. آن‌ها معتقدند که عوامل تحرک اجتماعی نزولی منحصر به ازدواج‌های زودرس و داشتن فرزند زیاد نیست؛ بلکه داشتن خانواده بزرگ نیز از عوامل تحرک نزولی اجتماعی محسوب می‌گردد. به نظر این دو صاحب‌نظر، افرادی که دارای تحرک اجتماعی صعودی بوده‌اند، از آن‌هایی که یا تحرک اجتماعی نداشته، یا گرفتار تحرک اجتماعی نزولی گردیده‌اند، فرزندان کمتری داشته‌اند. به نظر آنان، تأخیر در ازدواج عامل اصلی این تفاوت است.

از دیدگاه بالا و دانکن، بیشتر افرادی که در مسیر تحرک اجتماعی صعودی قرار می‌گیرند، ازدواج در سنین بالا را ترجیح می‌دهند و از آن‌جا که هرچه زن و شوهر مسن‌تر باشند، دوران باروری آنان کوتاه‌تر خواهد بود، در نتیجه فرزندان کمتری نیز خواهند داشت و همچنین امکان موفقیت شغلی فرزندان در خانواده‌هایی به حداکثر می‌رسد که فقط یک یا دو فرزند دارند؛ اما در خانواده‌های بزرگ موفقیت‌های شغلی فرزندان کاهش می‌یابد و اولین و آخرین فرزند، بالاترین امکان و فرصت را برای کسب موفقیت دارند. این دو صاحب‌نظر این امر را ناشی از چگونگی توزیع منابع خانواده، به ویژه منابعی که پیشرفت‌های تحصیلی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند (با فرض این‌که سایر عوامل ثابت و مساوی باشند) می‌دانند. هرچه تعداد فرزندان کمتر باشد، سهم آنان در بهره‌مند شدن از توجه، مراقبت، رسیدگی و کمک‌های مالی خانواده بیشتر خواهد شد.

بلاو و دانکن، به این نتیجه کلی می‌رسند که فرزندان خانواده‌های بزرگ دارای امکانات و موفقیت‌های تحصیلی کمتری هستند و بنابراین موفقیت‌های شغلی ناچیز نیز به دست می‌آورند و در خانواده‌های از هم پاشیده (بر اثر طلاق یا مرگ والدین) نیز به دلیل این که منابع مادی و عاطفی کاهش می‌یابند، فرزندان این خانواده‌ها، موفقیت‌های تحصیلی و شغلی محدودتری خواهند داشت (هلاکویی 1365: 263).

بنابراین، خانواده‌های بزرگ و جمعیت بالای خانواده‌ها در روستا نیز می‌تواند منجر به عدم دسترسی تمامی اعضای خانواده به تحصیلات مناسب گردد. این امر زمانی شدت می‌گیرد که نظام اجتماعی دچار عدم هماهنگی شده باشد و چنانچه اشاره شد خرده نظام‌های موجود در جامعه، کارکردهای مطلوبی نداشته باشند.

تئوری راه‌ها و اهداف «وبر» و «مرتن»

ازدواج هنگامی رخ می‌دهد که جامعه براساس اصل اول جامعه‌شناسی یعنی اصل اهداف و راه‌ها بتواند اهداف مشترک فرهنگی جامعه و راه‌های وصول به آن‌ها را مشخص نماید تا جامعه در حالتی متعادل و منسجم حفظ شود و تداوم یابد (تنهایی 1382: 71).

براساس مدل وبر، می‌توان ساخت دو سنخ جامعه عقلایی - حقوقی و سنتی را مبتنی بر اصل راه‌ها و اهداف دانست و از هم تفکیک نمود. اختلال و گسستگی که در راه‌ها و اهداف در دو سنخ ارزشی و عاطفی وجود دارد، بیانگر آن است که هیچ‌گونه سنخ ایده‌آلی از یک جامعه سالم را نمی‌سازند.

برپایه این دیدگاه، هرگاه راه‌ها و اهداف در یک گروه اجتماعی و یا به‌طور کلی‌تر در ساختار جامعه، هماهنگ باشند؛ مثلاً هر دو کنش راه‌ها و اهداف سنتی را دنبال نمایند، یا هر دو عقلایی - حقوقی باشند آن جامعه دچار مشکل نخواهد بود؛ ولی چنانچه اهداف ارزشی و یا عاطفی باشند، ولی راه‌های وصول به آن‌ها عقلایی باشد، دیگر با یک جامعه متعادل و هماهنگ روبه‌رو نخواهیم بود (همان: 76).

جامعه‌شناس برجسته مکتب ساخت‌گرا - کارکردگرایی انسجامی آمریکا، رابرت کی مرتن، نیز معتقد است که بی‌سامانی و ناهنجاری در ساخت اجتماعی زمانی رخ می‌دهد که هماهنگی میان راه‌ها و اهداف از بین برود و چنانچه این هماهنگی حاصل نشود. جامعه ناسالم خواهد بود. وی بر این اساس تحلیلی عرضه می‌کند مبنی بر این نکته که پیدایش و استمرار هر

ساخت اجتماعی، اعم از هم‌نوا⁷ و یا کجرو⁸ منوط به چگونگی عملکرد روابط و هماهنگی میان راه‌ها و اهداف است.

چنین گسستی میان اهداف و راه‌های جامعه، طبق نظریه مرتن، جامعه را دچار بی‌سامانی می‌کند که حاصل آن، به‌وجود آمدن افراد کجرو در چهار گروه مختلف است. در این مورد مباحثی در قالب نظریه‌های فمینیستی ارائه شده که به مسأله تبعیض برضد زنان می‌پردازد و نتیجه آن همان عدم دسترسی جنس مؤنث به فرصت‌هایی است که در اختیار مردان است که در خصوص موضوع مورد بحث می‌توان به آزادی پسرهای روستایی به علت امکان مهاجرت آن‌ها به شهرها اشاره کرد. هنگامی که پسران روستایی در راه کسب علم، تخصص و شغل مناسب به شهرها مهاجرت می‌کنند و با یک تحرک طبقاتی صعودی به پایگاه اجتماعی بالاتری ارتقا می‌یابند، دیگر حاضر نیستند با دخترانی در اقشار و طبقات پایین‌تر خود در روستا ازدواج نمایند و به همسان همسری و ازدواج با دختران شهری تمایل پیدا می‌کنند.

یافته‌ها

در این تحقیق، دریافتیم که مهاجرت به منزله مهم‌ترین عامل در بالا رفتن سن ازدواج دختران روستایی تأثیر دارد به این معنا که ازدیاد مهاجرت پسران به شهرها بر بالا رفتن سن ازدواج دختران تأثیر دارد.

امکان مهاجرت بیشتر در بین پسران، ادامه تحصیل را نیز برای آن‌ها ممکن می‌سازد و همین عامل باعث می‌شود پسران از سطح تحصیلات بالاتری برخوردار شوند و دایره همسرگزینی آن‌ها گسترده‌تر شود؛ در صورتی که این امکان برای دختران فراهم نیست.

متغیر مهاجرت با هزینه‌های اقتصادی نیز مرتبط است و پسران بعد از مهاجرت توانایی مالی بیشتری به دست می‌آورند که دایره همسرگزینی آن‌ها را وسیع‌تر می‌سازد و این امر باعث بالا رفتن سن ازدواج در روستا می‌شود و با بالا رفتن سن ازدواج دختران، آسیب‌های اجتماعی نیز افزایش می‌یابد.

مشکلات فرهنگی (اختلافات محلی روستا، آداب و رسوم، توجه به مادیات و جز این‌ها) نیز به نوبه خود بر بالا رفتن سن ازدواج دختران مؤثر بوده است.

7 - Conformism

8 - devianp

نتیجه‌گیری

براساس نظریه پارسونز هر جامعه‌ای برای آن که بتواند در عملکرد خود به عنوان یک نظام توفیق یابد و به عبارتی تداوم و استمرار یابد، باید موارد ذکر شده و از جمله نیازهای مشترک بشری را سامان‌دهی نماید و در این راستا به چهار کار ویژه نیاز دارد:

1 - انطباق و سازگاری با محیط و شرایط متغیر و جدید که به وسیله فعالیت نهادهای خرده‌نظام اقتصادی اجرایی می‌شود.

با نگاهی انتقادی به وضعیت اقتصادی جامعه و براساس تئوری رکودی، مشخص خواهد شد که یکی از اساسی‌ترین عوامل تأخیر ازدواج در میان جوانان روستای ذکر شده ناسازگاری نیازها با شرایط محیط و ضعف در مدیریت اقتصادی جامعه است. به طوری که افزایش مشکلات اقتصادی و مؤلفه‌های مهم تورم رکودی چون تورم، رکود، کاهش تولید، بیکاری، مصرف‌گرایی و افزایش سطح انتظارات، آثار منفی بر سن ازدواج جوانان گذاشته و موانع و مشکلاتی را در عرصه اقتصادی در سر راه ازدواج جوانان به وجود آورده است.

مهمترین نیازی که پیش از ازدواج باید با محیط فرد سازگار شود، وضعیت اشتغال اوست. بنابراین شغل در سن ازدواج بسیار مؤثر است. جوانان غالباً زمانی ازدواج می‌کنند که یقین داشته باشد طبق آداب و رسوم طبقه اجتماعی خود از عهده تأمین معاش خانواده برمی‌آیند و چون افراد نمی‌توانند در سنین معینی مثلاً بیست تا بیست و پنج سالگی درآمد کافی داشته باشند، لذا نوع شغل اهمیت پیدا می‌کند.

از آنجایی که در زمینه انطباق میان نیازمندی به شغل و محیط روستایی در ایران مدیریت و برنامه‌ریزی ضعیفی اعمال شده است و نظام مشاغل جدید نیز در برابر مشاغل سنتی آن طور طراحی شده که عموماً از کانال نظام آموزشی می‌گذرد که خود سال‌های طولانی صرف وقت در نهادهای مربوط را می‌طلبد، پدیده مهاجرت پسران روستایی به شهرها اتفاق می‌افتد.

2 - دومین کار ویژه یک نظام اجتماعی از نظر پارسونز، دستیابی به اهداف یا هدف‌جویی است. افراد جامعه به دنبال هدف‌هایی هستند که یک نظام اجتماعی باید از طریق خرده‌نظام سیاسی خویش آن‌ها را مشخص کند و افراد جامعه را به سمت دستیابی به آن‌ها هدایت نماید. این اتفاق هنگامی رخ می‌دهد که جامعه براساس اصل اول جامعه‌شناسی یعنی اصل اهداف و راه‌ها بتواند اهداف مشترک فرهنگی جامعه و راه‌های وصول به آن‌ها را مشخص نماید، تا جامعه در حالتی متعادل و منسجم حفظ شود و تداوم یابد.

رابرت کی مرتن معتقد است که بی‌سامانی و ناهنجاری در ساخت اجتماعی زمانی رخ می‌دهد که هماهنگی میان راه‌ها و اهداف از بین برود و چنانچه این هماهنگی حاصل نشود، جامعه ناسالم خواهد بود.

یکی از هدف‌های مشخص شده در جامعه، تشکیل خانواده و ازدواج است که در خود اهداف و کارکردهای آشکار و پنهان فراوانی را نهفته دارد و این جامعه است که وظیفه دارد در راه نظم اجتماعی وسایل و راه‌های رسیدن به این هدف معنوی را در اختیار اعضای خود و نیروی جوان جامعه قرار دهد. چنانچه افراد جامعه هنگام رسیدن به سن ازدواج با مشکلات ناشی از عدم هماهنگی بین راه‌ها و اهداف مانند برنامه‌ریزی‌های ضعیف آموزشی و مدیریت ناتوان در بخش اشتغال روبه‌رو شوند، از تشکیل خانواده بازخواهند ماند و این امر، جامعه را دچار بحران و نابسامانی (آنومی) می‌سازد.

براساس تئوری سنخ‌های ایده‌آل «ماکس وبر»، ازدواج به عنوان یک هدف ارزشی، عاطفی یا حتی سنتی در جامعه اسلامی امروز ایران مطرح می‌شود. اما راه‌ها و امکانات رسیدن به آن کاملاً عقلانی و براساس اهداف و شرایط متغیر و مصرف‌گرایانه نظام سرمایه‌داری در جهان امروز استوار شده است؛ به طوری که نسل جوان امروز ایران در رابطه با ازدواج در میان ارزش‌های معنوی و انتظارات مادی تعیین شده توسط جامعه قرار گرفته است.

بنابراین براساس آنچه از تلفیق نظریه‌های تالکوت پارسونز، ماکس وبر و رابرت کی مرتن به دست می‌آید، می‌توان نتیجه گرفت که در روستاهای ایران امکان دستیابی به راه‌ها و وسایل موردنیاز در جهت وصول به ازدواج کم است و در بین هدف و راه‌های رسیدن به آن گسست قابل تأملی ایجاد شده است که در میان دختران و زنان نمود ویژه‌ای یافته است؛ چرا که زنان جامعه روستایی به دلیل نداشتن استقلال و آزادی‌های اجتماعی و اقتصادی در جامعه مردسالار و پدرسالار حاکم بر جوامع روستایی امکان تصمیم‌گیری مستقل را کمتر داشته و بیشتر در قلمرو هم‌نویان و رسم‌گرایان و منزویان جامعه قرار می‌گیرند. یعنی این امکان و آزادی را ندارند که همانند پسرها در راستای کسب تخصص و شغل مهاجرت کنند و با محدودیت‌های فراوانی روبه‌رو هستند. در مورد این موضوع مباحثی در قالب نظریه‌های فمینیستی وجود دارد که به مسأله تبعیض برضد زنان می‌پردازد که عدم دسترسی جنس مؤنث به فرصت‌هایی که در اختیار مردان است، یکی از مهمترین مباحث آنان است که در مورد موضوع پیش روی، می‌توان به اختیار و آزادی پسرهای روستایی در زمینه مهاجرت به

شهرها و استقلال آنها اشاره نمود؛ حقی که هیچ‌گاه زنان از آن برخوردار نبوده‌اند، چرا که یا تحت سلطه پدر و برادران خویش زندگی می‌کنند و یا تحت سلطه شوهر و پسران. هنگامی که پسران روستایی در راه کسب علم، تخصص و شغل مناسب به شهرها مهاجرت می‌نمایند و با یک تحرک طبقاتی صعودی به پایگاه اجتماعی بالاتری ارتقا می‌یابند، دایره همسرگزینی آنها نیز گسترده‌تر می‌شود، بنابراین دیگر حاضر نیستند با دخترانی در اقشار و طبقات پایین‌تر خود در روستاها ازدواج نمایند و طبق نظریه همسان همسری، متمایل به ازدواج با دختران شهری می‌شوند.

3- سومین کار ویژه یک نظام اجتماعی از نظر پارسونز، ایجاد همبستگی و انسجام اجتماعی است. هر جامعه‌ای به موجب نظام حقوقی خود باید روابط اجزای درونی خود را براساس هنجارها و قراردادهای نهادینه شده به نظم درآورد که خدشه شدن آنها موجب اختلال در انسجام اجتماعی خواهد بود. در زمینه ازدواج، به دلایل گفته شده، در جامعه مورد بحث شاهد اختلال هستیم که می‌تواند بر همبستگی و انسجام اجتماعی تأثیر منفی برجای گذارد.

4- و سرانجام، آخرین کار ویژه یک نظام اجتماعی از نظر پارسونز، حفظ الگو و بقا است. یک نظام اجتماعی بایستی خود را براساس نظام ارزش‌های فرهنگی فراگیر (مذهب و خانواده) که توافق و اجماع عمومی برپایه آن استوار شده است، نگاه دارد و الگوهای فرهنگی را همراه با انگیزه‌های افراد احیا نموده، تا انگیزه‌ها حفظ شود.

بالا رفتن سن ازدواج دختران روستایی، جدای از این‌که اثرهای منفی جبران‌ناپذیری از لحاظ روانی و اجتماعی و حتی زیستی در سطح فردی از خود به جای می‌گذارد، در سطح جامعه و در ارتباط با کار ویژه مذکور نیز آثار و آسیب‌های فراوانی خواهد داشت. یعنی هرگاه پایه‌های خانواده سست گردد، انگیزه‌ها و الگوهای فرهنگی دیگر توان حفظ الگوها و هنجارسازی و نهادینه نمودن آنها را در جریان جامعه‌پذیری نخواهد داشت و انسجام و بقای جامعه با بحران روبه‌رو می‌گردد.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی. 1376. نظریه جامعه‌شناسی. چاپ اول. تهران: انتشارات سروش.
- بودن، ریمون. 1373. تحرک اجتماعی. ترجمه مؤمن کاشی. کتاب جامعه پژوهشی. گناباد: نشر مرندیز.

- بیرو، آلن. 1370. فرهنگ علوم/اجتماعی. ترجمه باقر ساروخانی. چاپ دوم. تهران: انتشارات کیهان.
- تقوی، مهدی. 1375. تورم رکودی. تهران: مؤسسه اطلاعات سیاسی اقتصادی.
- _____ 1376. دلایل تورم رکودی در ایران. تهران: مؤسسه اطلاعات سیاسی اقتصادی.
- تقوی، نعمت‌اله. 1374. مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده. تبریز: انتشارات دانشگاه پیام‌نور.
- جمشید، بهنام. 1348. جمعیت‌شناسی عمومی. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه.
- رفیع‌پور، فرامرز. 1375. کندوکاوها و پنداشت‌ها. تهران: انتشارات سهامی.
- ریتزر، جورج. 1374. نظریه‌های جامعه‌شناسی معاصر. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
- ساروخانی، باقر. 1370. دایره‌المعارف علوم/اجتماعی. تهران: دانشکده علوم اجتماعی.
- _____ 1373. روش‌های تحقیق در علوم/اجتماعی. جلد اول. چاپ دوم. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- _____ 1375. مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده. تهران: انتشارات سروش.
- سگالن، مارتین. 1370. جامعه‌شناسی تاریخی خانواده. ترجمه حمید الیاسی. تهران: انتشارات مرکز.
- صدیق اورعی، غلامرضا. 1378. مسایل اجتماعی جوانان. مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- فرجاد، محمدحسین. 1368. مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی و سیر تحول و تکامل جامعه. تهران: انتشارات آرام.
- کوئن، بروس. 1373. مبانی جامعه‌شناسی. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات سمت.
- کیوی، ریمون و لوک وان، کامپنهود. 1378. روش تحقیق در علوم اجتماعی. ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر. تهران: نشر توتیا.
- محسنی، منوچهر. 1374. جامعه‌شناسی عمومی. تهران: کتابخانه طهوری.
- منصورفر، کریم. 1369. روش‌های آماری. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- میشل، آندره. 1354. جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج. ترجمه فرنگیس اردلان. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- هلاکویی، فرهنگ. 1365. جامعه‌شناسی امروز. انتشارات جلالی.